

از گوشه و کنار

اولویت آموزش و پرورش
فرهنگ حجاب و عفاف



معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش گفت: حدود ۴۰ برنامه‌سند تحول بنیادین مرتبط با حوزه پرورشی است و ۱۰ درصد برنامه‌ها به مقوله حجاب و عفاف برمی‌گردد. یکی از اولویت‌های ویژه ما توسعه فرهنگ حجاب و عفاف است گفت: بنا داریم کارهای خوبی در این زمینه انجام دهیم. عضو کار گروه ساماندهی مدو لباس هستیم و طبیعتاً وظایفی که به ما محول شود دنبال می‌کنیم و درباره موارد مطرح در کشور نظر می‌دهیم. وی افزود: پوشش رانمی‌توان از فرهنگ یک جامعه جدا کرد. علاوه بر آن لباس نقش جدی در آراش روحی و روانی و آراستگی دارد و بیانگر نگرش درونی افراد در حوزه سبک زندگی است و بسیاری باورهای انسان‌ها از طریق پوشش قابل دریافت است. کاظمی با بیان این که در آموزش و پرورش چگونگی انتخاب پوشش در مدارس را به عنوان تکلیف در قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی مدارس دنبال می‌کنیم عنوان کرد: مسئله فرهنگی پوشش و توسعه فرهنگ عفاف و حجاب نیز مطرح است و هدف غایی ما در پوشش و الگوهای پوششی همین است. معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش با بیان این که اکنون برنامه‌های مهمی را در همین راستا در دستور کار قرار دادیم، اظهار کرد: تدوین ویژگی‌های پوشش مناسب، متنوع، زیبا، آراسته و مبتنی بر فرهنگ ایرانی و اسلامی و مراحل رشد دانش‌آموزان و متناسب با تفاوت‌های فرهنگی را در دست طراحی داریم. کاظمی افزود: تعیین رنگ و نوع لباس در اختیار شورای مدرسه است و تنوع رنگ را کاملاً مشاهده می‌کنید. اما درباره قیمت و هزینه تمام‌شده، شورای مدرسه رعایت حال عموم دانش‌آموزان را می‌کند و گر نه به‌ویژه بچه‌های ضعیف‌تر آسیب می‌بینند.

گردش مالی میلیاردی
در لباس فرم مدارس!



دبیر کارگروه ساماندهی مد و لباس وزارت ارشاد با بیان این که گردش مالی لباس فرم مدارس بیش از هزار میلیارد تومان است، گفت: آموزش و پرورش باید اجازه دهد بچه‌ها به لباس بومی به مدارس بپایانند. حمید قبادی دبیر کارگروه ساماندهی مد و لباس وزارت ارشاد، با بیان این که لباس در تمام ساعات به عنوان عنصر اساسی همراه ماست و در روح و روان و احساسات و ارتباطات ما تأثیر دارد، گفت: نقش پوشش در حوزه یادگیری و آموزش چندبرابر است و نامناسب بودن لباس از حیث جنس و کیفیت و مدل می‌تواند در اندیشه و تغل تأثیر منفی بگذارد. طبعاً دامنه آموزش و پرورش گسترده است و مخاطبان بسیار دارد و می‌طلبد به این مقوله نیز توجه مضاعفی صورت گیرد. قبادی با بیان این که مآدر حوزه تخصصی ساماندهی مد و لباس باید تلاش همه جانبه‌تری داشته باشیم گفت: بیش از صد جلسه درباره پوشش در مدارس داشته‌ایم. یکی از مشکلات احصا شده در این جلسات به واگذاری انتخاب پوشش به شورای مدرسه برمی‌گردد و اولیا و مربیان به علت هزینه‌های مدرسه و عدم تحمیل هزینه مازاد بر خانواده‌ها ترجیح می‌دهند لباس ارزان‌تری تهیه کنند و به دنبال لباس با قیمت مناسب می‌گردند و لزوماً مدل و کیفیت مناسب در اولویت‌های بعدی است.

قبادی افزود: اگر سرسرانه هر فرم مدرسه را صد هزار تومان و به‌طور متوسط برای ۱۰ میلیون دانش آموز در نظر بگیریم، هزار میلیارد تومان گردش مالی این حوزه می‌شود گفت: نمی‌توان از این موضوع مهم غفلت کرد.

وی ادامه داد: یک بحث دیگر این است که صرف نظر از شکل لباس باید به تناسب آن با موارد مختلف از جمله تغییر فصل توجه کرد. هیچ شغلی نیست که لباس مدرسه اش به تناسب فصل تغییر نکند. پلیس هم لباسش متناسب با فصل عوض می‌شود.

داشتن هویت و شناسنامه
علاوه بر این که حق کودک
است، پیش زمینه‌ای است
برای حفظ امنیت اجتماعی،
امنیت فرهنگی و امنیت
سیاسی هر کشوری، و هیچ
کشوری نمی‌تواند از کنار
موضوعی تحت عنوان عدم
هویت کودکان بی تفاوت
عبور کند

۱۸ سالگی به این دسته از افراد تابعیت می‌دهند؛ آن‌هم نه تابعیت ایرانی بلکه تابعیت اکتسابی (تابعیتی که فرد کسب می‌کند). بیشتر از دواج‌های دختران ایرانی تابع افغانستان و پاکستان است و طبق قانون افغانستان، وقتی دختری به عقد مرد افغان درمی‌آید از تابعیت خود خارج شده و تحت تابعیت کشور افغانستان قرار می‌گیرد و این یکی از آن موانع قانونی است برای تعیین و تأیید هویت کودکان این افراد.

شیران هم چنین به لایحه‌ای در معاونت امور زنان و خانواده دولت اشاره می‌کند: خانم مولاردی لایحه‌ای را به این منظور و برای انتقال تابعیت از مادر به فرزند، مطرح کرد. این لایحه در کمیسیون هیات دولت تصویب شد و به‌زودی به مجلس ارسال می‌شود.

بسیاری از این افرادی که شناسنامه و در حقیقت هویت ندارند، سطح علمی بالایی دارند و در حوزه‌های مختلف علمی و اقتصادی فعالیت می‌کنند.

کودکان، تاوان لغزش‌های
والدین را می‌دهند

این کودکان از همه خدمات عمومی و قانونی محرومند؛ از آموزشی گرفته تا پزشکی! پس تنها راهکاری که برای کسب درآمد برای آنان باقی می‌ماند، خرده فروشی مواد مخدر است. البته خیلی زود هم دستگیر می‌شوند و عمرشان به ۲۰ سال نرسیده، تمام می‌شود. بهترین و سالم‌ترین شغلی که این بچه‌ها می‌توانند پیدا کنند، دستفروشی است. آن‌ها چاره دیگری ندارند، نه سواد دارند، نه کار دیگری بلدند. این بچه‌ها از همه خدمات اجتماعی محروم هستند.

فاطمه دانش‌سور معتقد است که براساس قانون، یکی از وزارتخانه‌هایی که موظف است به این مسئله رسیدگی کند، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌باشد. اما متأسفانه این وزارتخانه، یکی از بسته‌ترین‌هاست. چون حداقل باید با وزارتخانه‌های دیگر، مثل دادگستری و بهداشت تعامل داشته باشد. اما تعامل این وزارتخانه با سازمان‌های مردم‌نهاد بسیار کم‌نگاست. بنابراین مسائلی که جامعه هدف با آن درگیر است، به‌سطوح بالای تصمیم‌گیر نمی‌رسد.

صدمات متقابل اجتماعی؟
صدماتی که هم جامعه به این کودکان وارد می‌کند و هم کودکان به جامعه تحمیل می‌کنند؛ یک کودک بی‌هویت، پس از بزرگ شدن، می‌تواند هر کاری بکند، بی‌آن که ردپایی از خود بر جای بگذارد و بتوان او را مورد پی‌گرد قانونی قرار داد!

شهرها و روستاهای مرزی و
کودکان بی‌هویت!

تعدادی از کودکان روستاهای استان‌های مرزی، بدون شناسنامه هستند، نه این که حاصل ازدواج مادر ایرانی و پدری خارجی باشند؛ بلکه پدر و مادر هر دو ایرانی هستند اما نمی‌دانند که باید برای فرزند خود شناسنامه تهیه کنند.

سازمان‌های مردم‌نهاد بسیاری در کنار مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک و وزارت کشور برای احقاق حقوق کودکان بی‌شناسنامه فعالیت می‌کنند؛ اخیراً معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه هم در این راستا گام‌های خوبی برداشته و نشست‌های متعددی با حضور مراجع ذیربط و سمن‌ها برگزار کرده است.

یک مطلع در این مورد می‌گوید می‌توان به جرات ادعا کرد جدای از همه فقدان امکانات برای کودکان بدون شناسنامه به‌ویژه دختران، مهم‌ترین چیزی که آن‌ها را تهدید می‌کند، تجاوز است. بی‌شناسنامه‌ویی هویت‌بودن آنان برای تجاوز به آن‌ها و ازدواج اجباری این دختران با مردانی هم‌سن پدر که نه، پدر بزرگان‌هاست.

تصحیح قانون ۸۰ ساله!

رضا شیران خراسانی نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی در کارگروه کودکان می‌گوید: ۹۹۷ هزار اتباع بیگانه تنها در استان خراسان رضوی زندگی می‌کنند. شیران از سه اقدام مجلس برای رفع این معضل خبر می‌دهد و می‌گوید: یکی از این طرح‌ها، اصلاح موادی از قانون تابعیتی است؛ این قانون بیش از ۸۰ سال در کشور قدمت دارد و دیگر قابل اجرا نیست. حتی در این قانون هم گفته شده که افراد ساکن در ایران، افراد دارای پدر ایرانی، فرزندان سرراهی، فرزندان دارای پدر و مادر خارجی که یکی از آنان در ایران متولد شده باشد، دارای تابعیت ایرانی محسوب می‌شوند و این یعنی حتی در آن زمان هم قانون‌گذار سعی بر این داشته تا از بی‌هویتی افراد جلوگیری کند.

لایحه انتقال تابعیت از مادر به
فرزند در دستور کار دولت

شیران، مادر راجست اصل خون در بسیاری از کشورها دانست و گفت: در بحث شرعی هم فرزند از مادر ارث می‌برد اما در کشور ما، در اصلاح‌ماده واحد سال ۸۵ آمده است که در سن



توجه به کودکان بی‌هویت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است

بی‌نام و نشان و بی‌پناه

دلیل بی‌هویتی کودکان، هر چه که باشد، نتیجه مشترک است: کودک بی‌هویت نمی‌تواند تحصیل کند، بیمه نیست، به راحتی دست به دست می‌شود و برای فروش مواد، بردگی جنسی، قاچاق اعضای بدن و خرید و فروش مواد مخدر، مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد.



اعضای بدن و خرید و فروش مواد مخدر، مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد.

برخی از مادران معتاد یا با رفتارهای ناهنجار اجتماعی، حتی چنین نوزادانی را پیش فروش می‌کنند تا به نحوی از تبعات داشتن چنین فرزندی خود را خلاص کنند. آنان گاه، بی‌آن که بدانند یا بخواهند، گیر دلالاتی می‌افتند که کار اصلی‌شان، تجارت در این زمینه است؛ خرید و فروش نوزادان بی‌هویتی که در بهترین شرایط به خانواده‌های بدون فرزند واگذار می‌شوند. اما البته «شرایط بهتر» اغلب یک افسانه است تا واقعیت.

کودک کار یا کودک خیابانی؟

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، سلمان خدادی حساب کودکان کار را از کودکان خیابانی جدا می‌کند و در رابطه با کودکان بی‌هویت، از تعبیر کودکان خیابانی استفاده می‌کند و معتقد است که وضعیت این کودکان فجیع‌تر و وخیم‌تر از کودکان کار است. چرا که این کودکان بی‌نام و نشان، مورد سوءاستفاده گروه‌های مافیایی مختلف قرار می‌گیرند: قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان. خدادادی می‌گوید: سودجویان و مافیای خرید و فروش کودکان و نوزادان، از کودکان خیابانی در تکی‌گری و خرید و فروش مواد مخدر استفاده می‌کنند: متأسفانه شاهد تکی‌گری دختران ۱۲-۱۳ ساله‌ای هستیم که در آغوش آن‌ها نوزادانی قرار گرفته که مافیای آن‌ها را برای جلب توجه و سوءاستفاده از احساسات مردم از مادران متعاد خریداری و در این

برای سرشماری این کودکان نداریم و مسئولان دولتی هنوز آماری از این موضوع ارائه نداده‌اند. فاطمه دانش‌سور، در مورد کودکان بی‌هویت، بیشتر بر روی آن تعدادی متمرکز است که مادران معتاد دارند و به همین دلیل، یا به دلیل مشخص نبودن هویت پدر و یا به دلیل ناآگاهی و عدم احساس مسئولیت، برای کودک شناسنامه تهیه نشده است.

دوم: مادر!

البته که نگاه دانش‌سور به مسئله کودکان بی‌هویت، نگاه محدود و یک بعدی است. کودکان بی‌هویت، تنها حاصل اعتیاد والدین خود نیستند. آن‌ها، گاه والدینی سالم و زندگی خانوادگی قابل قبولی دارند. اما به دلیل ازدواج مادر با یک تبعه خارجی غیر قانونی، مادر از گرفتن شناسنامه برای فرزندش، خودداری می‌کند؛ چون در این صورت ممکن است پدر فرزندش، رد‌مزد شده، به کشور خودش بازگردانده شود. در نتیجه چنین اقدامی است که این کودکان ثبت‌نشده و بدون شناسنامه، از تحصیل باز می‌مانند، خیلی زود وارد بازار کار می‌شوند و اگر دختر باشند و آداب به ازدواج‌های زیر سن قانونی می‌شوند. البته مادرانی هم هستند که به دلیل مشخص نبودن هویت پدر، به هر دلیل، نمی‌توانند برای فرزندان خود اوراق هویت تهیه کنند. دلیل بی‌هویتی کودکان، هر چه که باشد، نتیجه مشترک است: کودک بی‌هویت نمی‌تواند تحصیل کند، بیمه نیست، به راحتی دست به دست می‌شود و برای فروش مواد، بردگی جنسی، قاچاق



آذر فخری، روزنامه‌نگار

در نگاه اول، یک کودک بی‌هویت، کودکی است که شناسنامه و کارت ملی ندارد و هیچ نام و نشانی از او در هیچ‌جا ثبت نشده است. در نگاه دوم، یک کودک بی‌هویت، یا حاصل ازدواج یک زن ایرانی است با یک تبعه خارجی غیر قانونی، یا حاصل کارتن‌خوابی یک مادر معتاد است و یا محصول یک رابطه خارج از عرف. در نگاه سوم، کودکان بی‌هویت، یک بحران ملی و مشکلی امنیتی تلقی می‌شوند که آینده کشور را تحت‌الشعاع قرار خواهند داد. در تمام این نگاه‌ها، همت و انگیزه‌ای برای دیده شدن، جدی گرفتن و حل کردن مشکلات این کودکان، آن‌چنان که باید و شاید، وجود ندارد. کودک بی‌هویت، کودک کار، معتاد و موادفروش، کارگر ارزان و برده جنسی است. کودک بی‌هویت، از آن‌جا که هیچ‌جا ثبت نشده است، می‌تواند در آنی نیست و غیب‌شود، بی‌آن که آب‌از آب بخورد!

اول: آمار

سلمان خدادادی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، می‌گوید فقط در تهران ۲۵ هزار کودک بی‌هویت داریم. و استاندار تهران اعلام کرده است که هر ماه در حدود ۱۰۰ نوزاد بدون هویت در تهران متولد می‌شوند! فاطمه دانش‌سور، رئیس کمیته اجتماعی شورای چهارم تهران و فعال حوزه کودکان می‌گوید: متأسفانه سازمان متولی

یادداشت

لباس فرم مدارس؛ اعمال سلیقه و گاوبندی!

آسیه و بسی

دیگر نباید برای ما عجیب باشد که هر مسئله ساده‌ای در این کشور و در اکثر شهرهایش و در اغلب نهادهایش، به دلیل اختلاف نظر و سلیقه مسئولین مختلف مربوط یا نامربوط، به یک معضل تبدیل می‌شود.

یکی از معضلات بسیار چالش برانگیز بعد از انقلاب، همین لباس فرم مدارس به خصوص دخترانه است که این روزها موضوع یکی از نشست‌های تلویزیونی هم شد. گفت‌وگویی که در این برنامه شاهد بودیم بین معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش و دبیر کارگروه ساماندهی مدو لباس وزارت ارشاد انجام گرفت و البته، به نتیجه و تصمیم خاصی هم منجر نشد؛ که طبیعی است، زیرا، پیش از این که قانونی در این مورد وجود داشته باشد، این سلیقه و اعمال نظر شخصی

فرم کافی است تا متوجه شویم که این ماجرا، یعنی ماجرای اجباری بودن لباس فرم برای مدارس، تا حدود خیلی زیادی بر ساخته است و در نهایت سر نخ می‌رسد به جایی که هر مدرسه و مدیر و ناحیه و منطقه، در این مورد کاملاً سر خود و سلیقه‌ای برخورد می‌کنند.

در عین حال اگر دو مسئولی که در نشست تلویزیونی، بر سر لباس فرم مدارس به بحث و گفت‌وگو نشستند، از این آیین‌نامه خبر داشتند و آن را قبلاً خوانده بودند، احتمالاً اصلاً در این نشست شرکت نمی‌کردند؛ چون اساساً، بحث و جدل در این مورد لازم نیست.

در آیین‌نامه انضباطی مدارس آمده است:

ماده ۶۴ - لباس دانش‌آموزان باید از نظر دوخت و رنگ، ساده و دارای ظاهری آراسته و متناسب با محیط آموزشی و تربیتی مدرسه باشد.

ماده ۶۵ - دانش‌آموزان باید علاوه بر استفاده از پوشش مناسب در مدرسه، بیرون از مدرسه نیز از لباس و پوشش مناسب و فاقد هر گونه تصویر و نوشته استفاده کنند.

ماده ۶۶ - لباس دانش‌آموزان علاوه بر پوشش، نشان و قار و عفاف آنان است، شکل و دوخت لباس آنان باید با شئون

اسلامی مناسب باشد.

ماده ۶۷ - پوشش دانش‌آموزان دختر شامل: (۱) چادر، مانتو، شلوار، مقنعه (۲) مانتو، شلوار و مقنعه می‌باشد.

تبصره ۱ - چادر بهترین حجاب و مناسب‌ترین پوشش می‌باشد، شایسته است مدیران مدارس ضمن رعایت عدم اجبار، دانش‌آموزان دختر را به استفاده از آن تشویق و توصیه کنند.

تبصره ۲ - رنگ مانتو، شلوار و مقنعه دانش‌آموزان دختر باید ضمن توجه به شرایط سنی و جغرافیایی از میان رنگ‌های مناسب انتخاب شود.

با توجه به این آیین‌نامه انضباطی، به نظر می‌رسد نباید مشکل خاصی در رابطه با انتخاب لباس مناسب برای مدرسه، وجود داشته باشد؛ هم‌چنان که در بسیاری از شهرستان‌ها و روستاها نیز مشکل، به آن حادی و چالش برانگیزی که در تهران هست، دیده نمی‌شود و حتی در برخی از شهرستان‌ها، دانش‌آموزان می‌توانند با لباس بومی خود، در مدرسه حاضر شوند.

و سخن آخرین که دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش عنوان کرده است: اجباری برای پوشیدن لباس فرم توسط دانش‌آموزان وجود ندارد.